

پذیرش ارزش‌های جهانی در میان ایرانیان عرب زبان (اعراب خوزستان)

علی قنبری برزیان^۱

حمیدرضا جلالی پور^۲

تهمینه شاوردی^۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۹

چکیده

این مقاله تلاشی است برای تبیین میزان پذیرش یا مقاومت در برابر ارزش‌های جهانی شدن در میان عرب‌زبانان خوزستان، و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا ارزش‌های بنیادین جهانی شدن سبب برجستگی هویت قومی در میان عرب‌زبانان ایرانی می‌شود و به عبارتی ارزش‌های جهانی شدن چه تأثیری بر خاص‌گرایی در میان عرب‌زبانان ایرانی دارد و آیا خاص‌گرایی تحت تاثیر ارزش‌های جهانی به وجود آمده است. در این طرح از روش پیمایش استفاده شده، و علاوه بر داده‌های کمی از مصاحبه نیز استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق را عرب‌زبانان ۱۸ تا ۶۵ ساله اهوازی تشکیل داده‌اند. برای برآورد حجم نمونه با در اختیار داشتن جامعه آماری، از فرمول کوکران استفاده شده و حجم نمونه آماری ۵۶۰ نفر برآورد گردید. برای سنجش پایانی و اعتبار داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از ضریب آلفای کرونباخ □ استفاده شد و برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانسی و رگرسیون نیز استفاده شد. تحلیل داده‌ها نشان داده است که هر چه میزان احساس محرومیت از فرصت‌های برابر اجتماعی - فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و امکانات ملی بیشتر باشد، گرایش به هویت‌یابی‌های قومی نیز بیشتر است. متغیرهای احساس برابری و احساس عدالت قومی و عناصر انسان‌گرایی، رسانه‌های خارجی و تحصیلات متغیرهای مهم و مؤثر در پذیرش ارزش‌های جهانی است.

کلمات کلیدی: جهانی شدن، ارزش‌های جهانی شدن، محرومیت، فرصت‌های برابر، عدالت قومی.

۱. دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

ganbari20@yahoo.com

۲. دکتر جامعه‌شناسی، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

طرح مسئله

جهانی‌شدن در دهه‌های اخیر و مخصوصاً بعد از پایان جنگ سرد، جزئی از ذخیره لغات و محفوظات مردم شده است (فرگوسن، ۱۹۹۲). تعبیر و تفاسیر متعددی که در مکاتب فکری مختلف ارائه شده است، این وحدت نظر حداقلی را دارند که فرآیند جهانی‌شدن ارزش‌هایی دارد و با ابزار و روش‌های خود، برای هم‌گرایی فرهنگی و ارزشی می‌کوشد. بی‌تردید در میان همه مشخصات جهانی‌شدن، دو وجه آن بسیار متمایز است: یکی، بحث شبیه‌سازی یا یکسان‌سازی فرهنگی و دیگری، یکسان‌شدن انتظارات و توقعات مردم، به دلیل گردش سریع اطلاعات در سرتاسر جهان، که رفته‌رفته انتظارات مشابهی را در سراسر جهان برای مردم به وجود می‌آورد. این انتظارات واحد، برای کشورهای در حال رشد و خصوصاً کشورهای کمتر توسعه‌یافته مشکلات فراوانی را به وجود خواهد آورد. فرهنگ جهانی امروز منظری ارزشی، مصرفی، هویتی، مجازی و دینی دارد.

جامعه‌شناسان ساختی - کارکردی با استفاده از آرا و نظریات امیل دورکیم، صنعتی‌شدن را عامل جهانی‌شدن می‌دانند. در دیدگاه آنان صنعتی‌شدن پیامدهای اجتماعی زیادی را به همراه خود دارد و تحولات جهانی سرمایه‌داری را به دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی، که از لحاظ کارکردی با مراکز صنعتی سازگاری دارند، انتقال می‌دهند. این تحولات ساختاری، ارزش‌ها را در مسیر فردگرایی، جهان‌گرایی، دنیاداری و عقلانیت هدایت می‌کند، و سرانجام جوامع مقلد و کمتر توسعه‌یافته از نهادهای جوامع نوین و سرمایه‌دار پیروی می‌نمایند. جهانی‌شدن علاوه بر کمک به گسترش دموکراسی‌های محلی، بحث شهروندی جهانی و دموکراسی جهانی را با خود به همراه دارد و هم هویت ملی و هم هویت محلی را تحت تأثیر قرار داده است؛ یعنی از سویی سبب گسترش و جهان‌شمولی‌تر شدن ارزش‌های دموکراتیک شده است و از سویی جهان‌شمولی در احیای هویت‌های محلی و فروملی می‌کوشد. بنابراین، مهم‌ترین آسیب‌هایی که چنین هویت‌هایی ایجاد می‌کنند، مانع‌شدن آنها است در برابر شکل‌گیری یک هویت جمعی. لذا، مسئله قومیت، از آن جا که به هویت ملی ارتباط نزدیکی پیدا می‌کند، از اهمیت زیادی برخوردار است. پدیده و فرآیند جهانی‌شدن در جهان امروز در هر دو حوزه اجتماع جامعگی و جامعه‌پذیری گسترش یافته است. امروزه ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهانی مرزهای ملی را در نوردیده و در عرصه بین‌المللی گسترش یافته است، به همراه آن گسترش و توسعه

تکنولوژی ارتباطی تمامی عرصه بین‌المللی را به مناطق در دسترس تبدیل نموده است. گسترش ساختارهای بین‌المللی استقرار هر شهروندی از هر سرزمینی را در جایگاهی معین و نیز ایفای نقشی خاص در هر ساختاری بین‌المللی را ممکن ساخته است. توسعه رسانه‌های بین‌المللی نیز برای هر فردی امکان دستیابی به اطلاعات وسیع در حوزه‌های گوناگون و آگاهی از ارزش‌ها، هنجارها، جهان‌بینی‌ها و نمادهای فراملی و انتخاب هریک از آنها را به دست آورده است.

بنابراین در جهان امروز دو جریان متفاوت و متعارض در عرصه جامعه‌پذیری شهروندان هر کشوری حضور دارند: یکی ساختارها و نهادهای اجتماعی (اعم از سیاسی، اقتصادی، جامعه‌پذیری) داخلی و دیگری ساختارها و نهادهای بین‌المللی. جریان اول سعی در ملت‌سازی از طریق گسترش و حاکمیت ساختارهای داخلی و تقویت، تحکیم و تعمیق هویت ملی دارد، و جریان خارجی سعی در یکپارچه‌سازی عرصه بین‌المللی می‌نماید. در صورت برتری کارکردهای ساختار و نهادهای ملی و شکل‌گیری هویت ملی قوی، طبیعتاً انسجام داخلی افزایش خواهد یافت؛ برعکس، در صورت موفقیت و گسترش کارکردهای ساختارهای بین‌المللی و امر جامعه‌پذیری نهادهای برون‌مرزی، انسجام داخلی و هویت ملی تضعیف خواهد شد و یکی از این دو حالت پیش خواهد آمد:

اول: آن است که (در کشورهای دارای خرده اجتماعات و خرده فرهنگ‌ها) همبستگی‌های گروهی و هویت‌های قومی تقویت گردد و نوعی واگرایی و تجزیه‌طلبی و چند پارچگی شکل گیرد. اما احتمال دوم آن است که همراه با تضعیف هویت و هم‌گرایی ملی، نوعی هویت فراملی به وجود آید که نتیجه آن نیز واگرایی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی نسبت به سطح ملی است. لذا این سؤال پیش می‌آید که فرآیند جهانی‌شدن در ایران، که اقوام متعددی دارد، چه کارکرد و پیامدی دارد؟ در این مقاله می‌کوشیم که میزان و عوامل مؤثر بر پذیرش ارزش‌های جهانی‌شدن را در میان عرب‌زبانان خوزستان بررسی کنیم.

اهداف: هدف محوری عبارت است از بررسی میزان پذیرش ارزش‌های جهانی‌شدن و ملی در میان عرب‌زبانان ایرانی. اهداف زیر را در این قالب می‌توان مطرح و پیگیری نمود:

۱. بررسی تأثیر ارزش‌های جهانی‌شدن در احساس هم‌گرایی یا واگرایی اعراب خوزستان؛
۲. شناخت گرایش به ارزش‌های جهانی‌شدن در میان عرب‌زبانان خوزستان.

سؤالات

۱. آیا جهانی شدن سبب خاص گرایی در میان اعراب خوزستان می شود؟
۲. گرایش عرب‌زبانان به ارزش‌های جهانی شدن چگونه ارزیابی می شود؟

مروری بر ادبیات موضوع

میلر برای سنجش میزان گرایش‌های بین‌المللی حدود ۲۰ مقیاس به کار برد و آنها را در اسپانیا، آرژانتین، انگلستان، و آمریکا آزمون نمود (میلر، ۱۳۸۰، ۵۴۳-۵۵۰). وی از مقیاس‌های جهان‌وطنی - میهن‌پرستی (IN) و مقیاس جهان‌وطنی کریستن‌سن و مقیاس نظرات و اعتقادات درباره روابط بین‌المللی هلفانت و مقیاس‌های دیگر استفاده کرد (همان: ۶۴۷). برخی از مؤلفه‌های استفاده شده در این تحقیق عبارت‌اند از فردگرایی، برابری‌طلبی، پیشرفت‌گرایی، انسان‌گرایی، و ترجیح اصول اخلاقی.

جان هورتیز و مارک پفلی نیز به مرور جامع‌نگرش‌های بین‌المللی و گرایش به ارزش‌های جهانی شدن در پیمایش عمومی اجتماعی پرداخته‌اند. این تحقیق با نمونه آماری ۸۰۰۰ نفری در آمریکا و ۸ کشور دیگر انجام شده است. برخی از مؤلفه‌های این دسته از تحقیقات پیمایشی، مشارکت فعالانه و احساس تعلق و احساس هم‌دردی با جامعه جهانی و پذیرش مقررات و قوانین جهانی بوده است.

در باب اعراب خوزستان و گرایش آنها به فرآیند ادغام اجتماعی در ایران می‌توان تحقیقات تا حدودی مرتبط زیر را نام برد:

الف: نورالله قیصری در تحقیقی با عنوان «قومیت عرب خوزستان و هویت ملی» بر این باور است که اعراب خوزستان بیشتر مشکلات اجتماعی دارند. محقق این مشکلات اجتماعی را مسکن مناسب، امکانات عمومی ضعیف، بیکاری، و اعتیاد تعریف نموده است. از دید وی توزیع ناعادلانه امکانات سبب تقویت هویت قومی می‌گردد. (قیصری، ۱۳۸۱) تحقیق پیمایشی او در استان خوزستان نشان می‌دهد که نگرش مردم عرب نسبت به سرزمین قوی‌تر از ملیت و نسبت به ملیت، قوی‌تر از دولت است.

ب: هویت قومی و آذری‌ها و جهانی شدن (علی ساعی ارسی). محقق با طرح این نکته که جهانی شدن در هویت قوم آذری چندگانگی ایجاد می‌کند و همچنین موجب از هم

پاشیدگی^۱ مناسبات قومی می‌شود و سرانجام به بحران هویت قومی می‌رسیم. خطر هم‌نوایی با جهانی‌شدن و نیز خطر ماندگردی و از همه مهم‌تر خطر تهاجم فرهنگی شدیداً احساس می‌شود و با گسترش طلبی غربی روبه‌رو هستیم که سلطه‌گری و تسلط را به دنبال دارد.

مبانی نظری

در حوزه نظریه، به دلیل تنوع و وسعت نظریه‌های مرتبط با موضوع، فقط به نظریه‌های گیدنز، کاستلز، مینروا، و رابرتسون به اجمال اشاره می‌کنیم.

از دید گیدنز مختصات زندگی انسان‌ها، در شرایط اجتماعی جدید متحول شده است. این تحول در نظام فکری گیدنز، در مفاهیم و اندیشه‌هایی مثل شیوه زندگی، اعتماد، رابطه ناب، خصوصی‌سازی، و شور و شوق انعکاس یافته است.

شیوه‌های زندگی به صورت عملکردهای روزمره درمی‌آیند. عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط‌های مطلوب برای روابط اجتماعی جلوه می‌کنند. همه این انتخاب‌ها، تصمیم‌هایی‌اند که ما نه فقط درباره چگونه عمل کردن، بلکه درباره چگونه بودن خویش به مرحله اجرا می‌گذاریم. هرچه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد به دنیای مدرن نزدیک‌تر باشد، شیوه زندگی او نیز با ارزش‌های جدید سروکار خواهد داشت (گیدنز، ۱۹۹۵، ۱۲۰).

به نظر گیدنز پویایی و تحرک فوق‌العاده زندگی اجتماعی امروزی سه عنصر اصلی دارد:

۱. جدایی زمان و مکان: مدیریت فعالیت‌هایی که از نظر جسمانی در حضور یکدیگر نیستند.
۲. تکه‌برداری و بیرون‌کشیدن روابط اجتماعی از قیود محلی و جانداختن مجدد آنها در تکه‌های نامعین از زمان و فضا که با نشان‌های نمادین و نظام‌های کارشناسی مشخص می‌شود (حاجیان، ۱۳۸۸: ۴۶۹)

۳. بازاندیشی (بارتابندگی) نهادین: به معنی کاربرد منظم اطلاعات و دانش‌ها در زندگی اجتماعی و تغییر مستمر شرایط شک بنیادین و شکل‌گیری زندگی دلبخواهی (همان، ۴۱).

درمجموع تجدد و جهانی‌شدن موجب امتزاج رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی ملل مختلف و سرزمین‌های دوردست با تاروپود موضعی یا محلی و تلاقی حاضر و غایب می‌گردد.

از دید گیدنز در شرایط جدید، برای گزینش شیوه زندگی، برنامه‌ریزی یا زمان‌بندی برای زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برنامه‌ریزی برای زندگی، مستلزم اتخاذ روش ویژه‌ای برای سازماندهی زمان است. چون ساخت بازتابی هویت شخصی، به همان اندازه که وابسته به آماده‌سازی آینده است، به دست‌کاری تاریخ نیز ارتباط دارد. انتخاب شیوه زندگی با موقعیت‌های نهادینی مرتبط است که به افراد کمک می‌کند تا کنش‌های خود را شکل دهند (گیدنز، ۱۹۹۵، ۱۲۶).

رونالد رابرتسون به جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی جهانی شدن می‌پردازد. در دیدگاه او جهانی شدن، علاوه بر جنبه‌های عینی، جنبه‌ای ذهنی نیز دارد. از نگاه او صرف وابستگی متقابل و درهم‌تنیدگی جهانی برای واقعیت یافتن جهانی شدن کافی نیست، بلکه انسان‌ها هم باید از امر جهانی و تعلق به جهانی یکپارچه آگاهی داشته باشند آگاهی عنصر اصلی جهانی شدن است. رابرتسون بر این باور است که «جهانی شدن در اصلی‌ترین معنای خود، از یک سو متضمن فشردگی تمام جهان، و از سوی دیگر متضمن افزایش سریع خودآگاهی کل جهان است. جهانی شدن معاصر وضعیتی جهانی ایجاد کرده است که تمدن‌ها، منطقه‌ها، دولت - ملت‌ها، ملت‌های محدود به دولت‌ها یا فراتر از آنها هویت خاص خود را بسازند (یا دست‌کم سنت‌های خاص خود را به شکل گزینشی به خود اختصاص می‌دهند) در واقع امروزه نیروهای مختلفی در کار است که به نهادی شدن جهانی چشم‌داشت تفاوت منتهی می‌گردد» (رابرتسون، ۱۳۸۴، ۶۴).

به بیان رابرتسون اگرچه امروز شاهدیم که مقاومت محلی به حقانیتی سیاسی در برابر امر جهانی تبدیل شده است، اما حضور همه‌جایی این پدیده، یعنی دفاع از امر محلی، با ترویج آن به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است. رابرتسون بر این باور است که آنچه امر محلی خوانده می‌شود، «تا حد زیادی بر پایه و اساس فرامحلی یا مافوق محلی بنا می‌شود و تفسیر فوق از این واقعیت و گسترش آن غافل است، به عبارت دیگر، بخش وسیعی از تشویق و حمایت از محل و امر محلی فی‌الواقع از بالا یا بیرون صورت می‌پذیرد. (رابرتسون، ۱۳۸۳، ۲۱۳).

مدل مینروا و تاثیر جهانی شدن بر قومیت

به زعم برخی از اهل نظر، هویت قومی است که از جهانی شدن مشکل و مسئله‌ای بزرگ و بااهمیت می‌سازد، چراکه بر اساس این منطق دانش فنی جهانی شدن نه تنها سبب کاهش کیفیت کالاها نمی‌شود، بلکه موجبات افزایش کیفیت را هم در پی دارد. ولی تجارت و رشد اقتصادی نمی‌تواند توسعه فرهنگی و هویت قومی را هم تضمین نماید (کاوین، ۱۳۸۸، ۶۳).

براساس مدل مینروا افراد متعلق به فرهنگ فقیرتر و کوچک‌تر نوعاً از پذیرش نوآوری‌های فرهنگ بزرگ‌تر و غنی‌تر بهره می‌برند. مطلوب فرهنگ کوچک‌تر، لذتی هرچه بیشتر از مزایای دادوستد با فرهنگ بزرگ‌تر است؛ ولی می‌کوشند تا حد ممکن از ورود به هویت قومی و اجتماعی فرهنگ بزرگ‌تر بر حذر بمانند. به عبارتی، افراد در فرهنگ‌های کوچک‌تر به سادگی از هویت قومی خود عبور نمی‌کنند و به آسانی نمادهای قومی خود را کنار نمی‌گذارند و انقطاع قومی را نمی‌پذیرند. از این رو به نظر مینروا، تلاقی اولیه فرهنگ‌ها موجب رونق خلاقیت در فرهنگ کوچک‌تر می‌شود، ولی با گذشت زمان فرهنگ بزرگ‌تر یا غنی‌تر تعادل قوای حاکم بر فرهنگ کوچک‌تر یا فقیرتر را برهم می‌زند و گروه قومی ضعیف‌تر فرهنگ خود را به سمت ذائقه فرهنگ قوی‌تر هدایت می‌کند (همان، ۶۸). برقراری ارتباط با دنیای خارج، هویت قومی غالب را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در درازمدت سبب افول فرهنگی می‌گردد.

از این رو، از دو دسته مشکلات و گسست هویت قومی سخن می‌گویند: اولاً ناپدیدشدن فرهنگ گذشته و محصولات فرهنگی و هنری مربوط به آن ممکن است به دلایل اخلاقی و زیباشناختی ناپسند باشد. ثانیاً دادوستد و تعاملات بسیار و یا تعاملات نادرست می‌تواند وضعیت کسانی را که در گیرودار آن هستند خراب‌تر کند.

نظریه کاستلز

برای کاستلز نیز ارتباطات نقش محوری را در فرآیند هویت‌یابی ایفا می‌کند. کاستلز، دو پدیده را ویژگی بارز دوره تاریخی فعلی (عصر اطلاعات) می‌داند: نخست، فروپاشی دولت‌های چندملیتی، که می‌کوشند حاکمیت کامل خود را حفظ کنند یا تکرر مؤلفه‌های ملی خود را نفی کنند. این پدیده را می‌توان در اتحاد شوروی سابق، یوگسلاوی سابق، اتیوپی سابق و چکسلواکی سراغ گرفت. دوم، این که به‌وجود آمدن مللی را شاهدیم که در آستانه تبدیل به دولت متوقف مانده‌اند، اما دولت سلف خود را به سازش و واگذاری بخشی از حاکمیت وادار می‌کنند. این امر در کاتالونیا، ایالت باسک، اسکاتلند و کبک، کشمیر، پنجاب، کردستان یا تیمور شرقی نیز مصداق دارد (کاستلز، ۱۳۸۴، صص ۲-۷۱).

به نظر کاستلز نیز عصر جهانی‌شدن عصر خیزش دوباره هویت‌های ملی است. این واقعیت را می‌توان هم در مبارزه با دولت‌های ملی مستقر و هم در بازسازی فراگیر هویت بر پایه ملیتی

مشاهده کرد که همواره در برابر یک اجنبی از آن دفاع می‌شود. به نظر وی، قومیت از منابع اصلی معنا و بازشناسی در طول تاریخ بشر بوده است. در بسیاری از جوامع معاصر، از ایالات متحده گرفته تا کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا، قومیت زیربنای تفکیک اجتماعی و بازشناسی اجتماعی و نیز تبعیض‌های اجتماعی بوده است.

جمع‌بندی مبانی نظری

در مباحث مربوط به جهانی‌شدن و قومیت سه فرضیه مختلف را می‌توان در نظر گرفت: **یکم:** نخستین فرضیه را می‌توان چنین مطرح کرد که توسعه فرهنگ و ارتباطات، و به تبع آن جهانی‌شدن موجب تقویت همبستگی ملی، استقرار هم‌گرایی و کاهش تنش‌ها و کشمکش‌های قومی می‌شود.

دوم: فرضیه دوم افزایش سطح مراودات و مبادلات را زمینه‌ساز بسط و گسترش آگاهی‌های قومی و فرهنگی و در نهایت مطالبات قومی می‌داند.

سوم: فرضیه سوم چنین است که به عنوان انگاره‌ای پست‌مدرن، با توجه به مؤلفه‌های جدید در ساختار نظام بین‌الملل، فرآیند جهانی‌شدن و دستاوردهای نوین تکنولوژیک در عرصه ارتباطی، خلق جوامع قومی مجازی، تشکیل اجتماعات تصویری، افزایش هم‌گرایی فرهنگی و در مقابل، تشدید واگرایی را به دنبال خواهد داشت.

چارچوب مفهومی

مفروض بسیاری بر این است که جهانی‌شدن هر جا که با واقعیت روبه‌رو شود الگوی بسیار مشابهی تولید می‌کند. ترکیبی از محتوای جذاب، ناهم‌خوانی‌ها در قدرت، و حجم خالص جریان‌های دربرگیرنده جهانی‌شدن گرایشی همگون‌ساز ایجاد می‌کند. در این قسمت چارچوب مفهومی تعامل جهانی‌شدن و هویت ملی و قومیت را بررسی می‌کنیم. می‌توانیم این رویکرد را به پیوند تطبیقی تعبیر کنیم:

رویکرد پیوند تطبیقی

نظریه‌ها و آرای گوناگونی از تاثیر جهانی‌شدن بر هویت قومی سخن گفته‌اند. عده‌ای این تاثیر را به ویرانگری خلاق تعبیر کرده‌اند و عده‌ای دیگر هم از فاجعه فرهنگی سخن گفته‌اند. واقعیت

این است که جلوه‌هایی از واقعیت در همه نظریه‌های فوق وجود دارد، لیکن نه می‌توان آن را ویرانگر خلاق دانست و نه همچون کفی بر آب، که بی‌اراده و بی‌تأثیر باشد. در بسیاری از اختلاف نظرها بر سر جهانی‌شدن، بر پیامدهای نهایی آن تمرکز می‌کنند. این تمرکز با این پرسش‌هایی همراه است: آیا هویت‌های ملی احتمالاً جایگزین وابستگی‌های محلی و یا فراملی و یا فروملی (قومی) می‌شود؟ آیا در طول زمان، محتوای زیربنایی هویت‌های ملی از طریق گسترش جریان‌های بین‌المللی آینه یکدیگر خواهند بود؟ کسانی که توسعه‌های جاری را از دیدگاه تاریخی می‌نگرند، به تأکید بر وجود مقدمات برای نفوذ و انتشار فرهنگ علاقه دارند. ایساوی بر این باور است که فرهنگ بالای قدرتی امپریالیستی اغلب به طور سیستماتیک در سرتاسر محیط پیرامون، به عنوان وسیله کنترل، ترویج یافته است و تحت چنین شرایطی فرهنگ عامه میل به پیروی دارد.

طبق نظر این نویسندگان جهانی‌شدن صرفاً گرایشی تاریخی از فرهنگ کنشگران غالب به همگون‌شدن مکان‌های حاشیه‌ای سرعت می‌بخشد. بدین ترتیب یکپارچگی‌اش را در ساختار اقتصادی و سیاسی ممتاز تسهیل می‌کند و در یک دیدگاه ممکن است که خط سیر کامل تاریخ جهان، تا رسیدن به هم‌گرایی کامل، پیوسته باشد.

برخی دیگر از اهل نظر به نتیجه کاملاً متفاوتی رسیده‌اند و استدلال می‌کنند که جهانی‌شدن فرهنگی تقریباً به طور ذاتی واکنشی خودمختاری محلی می‌باشد. یا به دلیل این که احساسات ازلی را برمی‌انگیزد یا به طو دقیق‌تر در به چالش انداختن حق حاکمیت، شکل جبرانی سازمان اجتماعی را ایجاب می‌کند.

حداقل در شرایط نزدیک، دلایل بسیاری برای حمایت از این ایده‌ها وجود دارد. حتی آن‌جا که سلیقه‌های وارداتی معین آشکارا با هنجارهای محلی در تناقض است، شواهد اندکی وجود دارد که هواخواهان آنها به دست‌کشیدن از همه پیوستگی‌های سنتی دیگر گرایش داشته باشند. چرا که جهانی‌شدن «هویت‌های دوفرهنگی» تولید می‌کند که ویژگی‌های محلی و نیز جهانی را شامل می‌شود. در حالی که اختلاف بین این‌ها و سنت‌های بومی محلی ممکن است آزاردهنده باشد، چنین تفاوت‌هایی الزاماً ناسازگار یا ناپایدار نیستند.

علاوه بر این جهانی‌شدن به وسیله شکلی از مخلوط‌کردن، که اغلب با عنوان پیوند دادن اشاره می‌شود، تشخیص داده می‌شود. جهانی‌شدن، به عنوان روش خاصی از ترکیب فرهنگی

محصولات منتقل شده از طریق جهانی شدن را «بومی سازی» کندينابراین، پیوند دادن نه تنها افزایش درگیری در جریان های بین المللی را موجب می شود، بلکه آن را نیز تسهیل می کند. در کنار این پرسش که آیا جهانی شدن توسعه ای است مثبت برای زمان حال، و یا منفی؟ این نکته روشن است که آگاهی بازتابی از آن به پیگیری استراتژیک پیوندزنی می انجامد. این گفتمان که دائماً در بافت های محلی فعالیت می کند، به وسیله سه رشته مشخص نشان داده می شود: جذب گزینشی، رد گزینش و اظهار چیزهایی که ضرورتاً ملی اند. در حالی که از بعضی جهات یک ابزار تحلیلی نسبتاً بی پرده، این تمایز سه بخشی را برای به چنگ آوردن ویژگی های اجتماعی و عقلایی کلیدی پیوندزنی کاملاً سودمند می سازد. خطوط اصلی این گفتمان عبارت اند از:

جذب گزینشی

این امر در عبارت استانداردسازی تکنولوژی، سبک، نگرش ها و سازمان دهی اقتصادی مشهود است که همگی درون یک ترکیب فرهنگی پوشاندنی ریشه در مراکز شهری غربی دارند. از نظر بعضی مشاهده گران، این الگو پیشنهاد می کند که نه تنها مکان های نامتجانس در این جهان یکسان می شوند، بلکه در حقیقت بخشی از یک جنبش جهانی عظیم می شوند. بسیاری از این ها به طور گسترده شناخته شده اند. به جای فراهم کردن تحسین بی نهایت مثال های همگون سازی فرهنگی، فقط به برجسته ترین جنبه های آن در این مقال اشاره میکنیم.

در سطوح ملی و محلی، این هم گرایی در یکنواختی شدید ساختارها و اقدامات اداری بوروکراتیک آشکار می شود. این نه تنها شامل دستگاه دولت - ملت می شود، بلکه خطوط اصلی سیاست اجتماعی و مدیریت عمومی را نیز در بر می گیرد.

رد گزینشی

روند همگون سازی فقط بخشی از الگوی کلی پیوندزنی است. روند عکس آن یعنی رد در پاسخ مستقیم به اقدامات خارجی مطرح می شود که با اقدامات و ارزش های محلی برقرار شده در تعارض است، همگون سازی فرهنگ ملی را تهدید می کند. فقط کمی از این را می توان واکنشی بنیادگرایانه دانست؛ واکنشی از سوی اسلام گرایان ستیزه جو و یا دیگر گروه هایی که از لحاظ فلسفی با جهانی شدن فی نفسه مخالف اند.

اظهار

آخرین ویژگی پیوندزنی از بیان هویت ملی منسجم براساس عناصر سنتی آمیخته با هنجارها و نهادهای جهانی مدرن به عنوان راهی برای یکپارچگی جامعه تشکیل شده است، در حالی که هم‌زمان یکپارچگی بین‌المللی را تسهیل می‌کند. این مستلزم شفاف‌سازی گسترده و احیای ارزش‌ها و اقدامات بومی است. در مناطقی که جهانی‌شدن فشار نسبتاً کمی را به کار می‌گیرد، فرهنگ سنتی برای اهداف گوناگون دولت‌سازی یا سیاسی راه حلی بدون رد یا جذب استفاده می‌شود.

به عبارتی کنشگران در حوزه ارزش‌ها، به صورت جذب و رد‌گزینی و بر اساس عقلانیت ابزاری تصمیم می‌گیرند و هر ارزشی که برای آنها کارکردهایی داشته باشد را جذب و یا رفع می‌کنند.

تعریف مفاهیم و متغیرها

جهانی‌شدن

گیدنز جهانی‌شدن را وابستگی متقابل و واقعی جهانی و آگاهی از این یکپارچگی تعریف می‌کند. به نظر او جهانی‌شدن نتیجه مستقیم نوسازی است (جلایی‌پور، ۱۳۸۴: ۶-۸). به هم وابستگی زندگی در دنیایی جهانی‌تر که در آن رخدادهای جهان مستقیماً در هم کنش دارند (همان: ۵۸).

آلبرو جهانی‌شدن را فرآیند انتشار ارزش‌ها و فناوری و نفوذ آن بر زندگی اجتماعی افراد جامعه دانسته است. (آلبرو، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

«جهانی‌شدن به معنای پیدایی اجتماعی جهانی است که در آن اشتراک همه انسان‌ها در ارزش‌های بنیادین و غایی مبنای وحدت و سازماندهی جمعی نظم حاکم بر آنها باشد. بر این اساس جهانی‌شدن از ظهور یک هویت عام انسانی، فراتر از هویت‌های خاص قومی و قبیله‌ای یا ملی حکایت می‌کند».

ارزش‌های جهانی شدن

ارزش‌های جهانی شدن متغیر اصلی و محوری این مقاله است. جهانی شدن معطوف به ارزش‌هایی است که انسان را در هر زمان و مکان فارغ از تعلقات فرهنگی چونان سوژه‌ها یا فاعلانی خودمختار در نظر می‌گیرند. به عبارتی ارزش‌های جهانی شدن ارزش‌هایی است که همه مردم جهان به آنها علاقمندند، چنان که کل زمین را محیط مادی و افراد روی آن را شهروندان و مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان جهان می‌داند و خواهان اقدامی جمعی است برای حل مشکلات جهانی. برخی از این صفات و ارزش‌های هویتی عبارت‌اند از:

- برابری جنسیتی (برابری زن و مرد)؛
 - اعتقاد به طبیعی بودن تغییرات اجتماعی فرهنگی؛
 - باور به دموکراسی، آزادی، حقوق بشر؛
 - اعتقاد به مسائل مشترک جهانی؛
 - اعتقاد به زیست بوم کره زمین، هم‌زیستی و جهانی فکرکردن؛
 - پذیرش اقتدار نهادهای بین‌المللی و توافقات جهانی؛
 - نسبی بودن هویت‌ها، اهمیت برابر هویت‌ها و ارزش‌ها.
- محققان و صاحب‌نظران برای سنجش گرایش به ارزش‌های جهانی شدن مؤلفه‌هایی را به کار گرفته‌اند؛ نظیر:

۱. استدلال‌گرایی، عقل‌گرایی: توجه به عقلانیت جدید و این که هر آنچه از دسترس عقل دور است واقعیت کمتری دارد. اعتقاد به ذهن اندیشمند و مستقل، اعتقاد به خرد ناب، حسابگری و سودگرایی.

۲. انسان‌گرایی، انسان‌محوری، خودمحوری فردگرایی و نفی قیومیت، ایمان و اعتقاد به انسان، علم و قدرت علم: فردگرایی، به معنای تحصیل حقوق فرد است و نظام‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی فقط برای تحصیل حقوق افراد مهم‌اند و هویت‌های قبیله‌ای و ملی و همانندان آن باید در خدمت فرد باشند.

۳. ترقی‌گرایی، پیشرفت‌گرایی و نفی تقدیرگرایی: اعتقاد به این که جهان در حال تکامل

است.

۴. برابری طلبی و آزادی‌خواهی، و برابری طلبی در معرفت. نمی‌توان از پیرو و مرشد و قدیس پیروی کرد.
۵. مادی‌گرایی: بی‌توجهی به ساحت‌های روح و نفس و تأکید بر ساحت جسم و بدن.
۶. احساسات‌گرایی: ایجاد لذت و کاهش درد و غم و رنج. باور به این که سعادت انسان در لذت است و باور به اهمیت ساحت احساسات و عواطف.
۷. پذیرش اقتدار و مقررات و نهادهای بین‌المللی و تأکید بر توافق‌های جهانی.
۸. اعتقاد به وجود مشکلات و مسائل مشترک جهانی.
۹. اعتقاد به زیست‌بوم کره زمین، جهانی فکرکردن، هم‌زیستی و تعامل با سایر ملل.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع علی و استنباطی است که در نمونه خاصی انجام می‌شود و در عین حال از شواهد تاریخی هم استفاده می‌شود. لذا به لحاظ منطق نظری روش‌شناسی این مقاله ترکیبی و تلفیقی است. در این طرح از روش پیمایش استفاده شد است.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق را کلیه «عرب‌زبانان شهر اهواز» تشکیل می‌دهند. در این تحقیق همه افراد ۱۸ تا ۶۵ سال عرب‌زبان اهوازی مورد توجه قرار گرفته‌اند. اگرچه منبعی رسمی در مورد نسبت جمعیتی عرب‌زبانان در اهواز وجود ندارد، لیکن بر اساس برآورد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان در سال ۱۳۸۴، ۴۵ درصد کل جمعیت شهر اهواز را عرب‌زبانان تشکیل می‌دهند (تقوی نسب: ۱۳۸۶، ۱۰۰).

بر این اساس می‌توان عرب‌زبانان شهر اهواز (جامعه آماری) را چهارصد و چهل هزار نفر تخمین زد. با این مبنا جامعه آماری این تحقیق بین ۴۰۰-۴۴۰ هزار نفر است. برای برآورد حجم نمونه با در اختیار داشتن جامعه آماری، از فرمول کوکران استفاده شده است (سرایبی: ۱۳۷۲، ۱۳۳).

اعتبار و روایی متغیرها

نتایج آزمون آلفای کرونباخ بر حسب متغیرهای مورد بررسی بدین شرح است:

مقدار آلفای کرونباخ	گویه‌ها
۰/۸۱	گویه‌های هویت ملی
۰/۸۹	گویه‌های هویت قومی
۰/۸۰	گویه‌های هم‌دلی جهانی
۰/۷۹	گویه‌های فردگرایی
۰/۷۸	گویه‌های عرفی شدن
۰/۷۸	گویه‌های پذیرش اجتماعی
۰/۷۷	گویه‌های اطاعت از نهادهای بین‌المللی
۰/۷۷	گویه‌های امانیسم
۰/۷۱	گویه‌های نگرش جنسیتی

حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

نحوه برآورد حجم نمونه

با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه به دست آمده تقریباً ۵۶۰ نفر است. در پیمایش‌های ملی در شهر اهواز نمونه آماری محاسبه شده معمولاً بین ۴۰۰-۵۵۰ نفر انتخاب شده‌اند.

شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش «نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. این نمونه‌ها در مناطق عرب‌نشین اهواز (لشکرآباد، شلنگ‌آباد، کوی مدرس، سه‌راه خرمشهر، کوت عبدالله، ام‌مطیر، عامری) به روش pps انتخاب شدند. برای سنجش پایانی و اعتبار داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است و آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۸۲ برآورد گردید.

سیمای آماری تحقیق

در این تحقیق ۵۵ درصد از پاسخگویان را مرد و ۴۵ درصد از پاسخگویان را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین ۷۷ درصد از پاسخگویان مجرد و ۲۳ درصد از پاسخگویان متأهل بودند و ۲۳ درصد از پاسخگویان ۱۵ تا ۲۵ سال، ۳۴ درصد از پاسخگویان ۲۶ تا ۳۵ سال، ۲۱ درصد از پاسخگویان ۳۶ تا ۴۵ سال و ۲۲ درصد از پاسخگویان بیش از ۴۵ سال سن داشتند. ۲۸/۵ درصد

از پاسخگویان شاغل، ۱۹/۵ درصد از پاسخگویان بیکار، ۱۷ درصد از پاسخگویان دانش‌آموز، ۱۸ درصد از پاسخگویان دانشجو، ۲۱ درصد از پاسخگویان خانه‌دار بوده‌اند.

جدول شماره ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب گویه‌های هویت‌یابی

کاملاً مخالفم	مخالفتم	بی‌تفاوتم	کاملاً موافقم	
۴۸,۵	۲۹,۶	۱۷,۶	۳,۵	عرب بودن اصلاً برایم اهمیتی ندارد، مهم انسان بودن و خوب بودن است
۳۷,۲	۵۳,۷	۵,۸	۳,۳	زبان انگلیسی را بیشتر از زبان عربی دوست دارم
۵,۱	۳۸,۴	۴۳,۲	۱۳,۵	دوست دارم در کشوری عربی زندگی کنم
۳۰,۳	۳۵,۵	۱۹,۶	۱۴,۸	مهم عرب بودن است، فرقی نمی‌کند ایران یا هر جا
۱۰	۲۲,۸	۳۳,۸	۳۳,۴	به همان اندازه که عرب بودن خود را دوست دارم، ایرانی بودن خود را نیز دوست دارم
۶,۲	۸,۹	۲۹,۲	۵۵,۷	به عرب بودن خود افتخار می‌کنم
۲۷,۵	۵۵,۶	۶,۴	۱۰,۵	دوست دارم فرزندانم به یک زبان خارجی مثلاً انگلیسی صحبت کنند تا زبان عربی

مطابق داده‌های جدول شماره ۱، ۲۱/۱ درصد از پاسخگویان موافق‌اند که عرب بودن اصلاً برایشان اهمیتی ندارد، مهم انسان بودن و خوب بودن است و ۷۸/۹ درصد از پاسخگویان هم با این عبارت مخالف‌اند و عرب بودن برایشان اهمیت دارد و فقط ۹/۱ درصد زبان انگلیسی را بیشتر از زبان عربی دوست دارند.

از میان پاسخگویان ۶۳/۴ درصد دوست ندارند در کشوری عربی زندگی کنند. از دید ۸۰/۷ درصد از پاسخگویان کشورهای عربی برای آنها مناسب‌تر و محبوب‌تر از کشورهای غربی‌اند. ۴۴/۳ درصد از پاسخگویان خود را اول عرب می‌دانند و بعد ایرانی و ۵۴/۷ درصد از پاسخگویان هم خود را اول ایرانی می‌دانند و سپس عرب. به نظر ۳۴/۲ درصد از پاسخگویان مهم عرب بودن است، فرقی نمی‌کند ایران یا هر جای دیگر جهان. ۶۷/۲ درصد از پاسخگویان معتقدند که به همان اندازه که عرب بودن خود را دوست دارند، ایرانی بودن خود را نیز دوست دارند. همچنین ۸۳/۱ درصد از پاسخگویان دوست دارند که فرزندان به زبان عربی صحبت کنند

تا زبانی خارجی مثلا انگلیسی. داده‌ها نشان می‌دهند که ۸۴/۹ درصد از پاسخگویان به عرب بودن خود افتخار می‌کنند و ۶۷/۴ درصد از پاسخگویان موسیقی عربی را بیشتر از موسیقی اصیل ایرانی دوست دارند.

جدول شماره ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب گویه‌های نگرش‌های جنسیتی

مؤلفه کاملاً مخالف	مؤلفه کمی مخالف	مؤلفه کمی موافق	مؤلفه کاملاً موافق	
۲۶,۸	۱۹,۷	۲۴,۲	۲۹,۳	زنان به عنوان یک انسان باید از همان حقوق مردان برخوردار باشند
۱۸,۷	۱۴,۴	۳۸,۴	۲۹,۶	زنان نباید در عرصه‌های سیاسی فعالیت داشته باشند
۲۲,۱	۲۹,۸	۲۴,۴	۲۳,۷	پوشش و حجاب بقیه مردم به من ربطی ندارد، فقط مسئول پوشش خودم هستم
۱۳,۸	۲۵,۴	۳۹,۷	۲۱,۱	زن و مرد با هم برابرند و به یک اندازه مسئولیت دارند
۲۸,۳	۴۴,۹	۱۰,۵	۱۶,۳	در ازدواج مهم عشق‌ورزیدن است، دین و آیین و قومیت و ملیت برایم اهمیتی ندارد
۲۵,۵	۱۳,۴	۱۶	۴۵,۱	زن نباید قاضی شود
۲۲,۴	۱۹,۴	۲۶,۱	۳۲,۱	توانایی‌ها و استعداد زن و مرد برای پیشرفت یکسان است

برابری طلبی و احساس برابری جنسی یکی از مؤلفه‌ها و ارزش‌های جهانی شدن است. برخی از آرا و مطالبات برابری طلبان در حوزه زنان در نظریه‌های فمینیستی منعکس شده است. مطابق داده‌های جدول ۵۳/۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که زنان به عنوان یک انسان باید از همان حقوق مردان برخوردار باشند و ۶۸ درصد از پاسخگویان هم معتقدند که زنان نباید در عرصه‌های سیاسی فعالیت داشته باشند، ۴۸/۱ درصد از پاسخگویان معتقدند که پوشش و حجاب بقیه مردم به من ربطی ندارد، فقط مسئول پوشش خودم هستم.

به نظر ۶۰/۸ درصد از پاسخگویان زن و مرد با هم برابرند و به یک اندازه مسئولیت دارند و ۲۶/۸ درصد از پاسخگویان در ازدواج عشق‌ورزیدن را مهم می‌دانند و دین و آیین و قومیت و ملیت برایشان اهمیتی ندارد. ۶۱/۱ درصد از پاسخگویان با قاضی شدن زنان موافق و ۳۸/۹ درصد از پاسخگویان هم با قاضی شدن زنان مخالف‌اند و ۵۸/۲ درصد از پاسخگویان توانایی‌ها و استعداد زن و مرد برای پیشرفت را یکسان می‌دانند.

جدول شماره ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب گویه‌های احساس همدلی جهانی

مخالقم کاملا	مخالقم	بی تفاوتی	بی تفاوتی کاملا	
۱۲,۷	۲۵,۴	۳۷,۳	۲۳,۶	از وقوع زلزله در امریکا به همان اندازه ناراحت می‌شوم که اگر در عراق و ایران اتفاق بیفتد
۹,۹	۱۱,۸	۵۵,۲	۲۳,۱	همه ملت‌ها و دولت‌ها باید با هم دوست باشند و مشکلات جهان را حل کنند
۷,۲	۱۴,۷	۵۵,۹	۲۲,۲	من از این که شنیدم کره زمین در حال گرم‌شدن است ناراحت شدم
۲۳,۴	۲۶	۳۲,۸	۱۸,۴	اگر مردم انگلیس به کمک من نیازی داشته باشند، حتما کمک می‌کنم

به نظر ۶۱/۹ درصد از پاسخگویان از وقوع زلزله در امریکا به همان اندازه ناراحت می‌شوند که اگر در عراق و یا ایران اتفاق بیفتد و ۷۸/۳ درصد از پاسخگویان می‌خواهند که همه ملت‌ها و دولت‌ها باید با هم دوست باشند و مشکلات جهان را حل کنند. ۷۸/۱ درصد از پاسخگویان از شنیدن این که کره زمین در حال گرم‌شدن است ناراحت می‌شوند. ۵۰/۶ درصد از پاسخگویان معتقدند که اگر مردم انگلیس به کمک من نیازی داشته باشند، حتما کمک می‌کنند.

جدول شماره ۴: توزیع پاسخگویان بر حسب گویه‌های فردگرایی

مخالقم کاملا	مخالقم	بی تفاوتی	بی تفاوتی کاملا	گویه‌های فردگرایی
۳۰,۷	۳۹,۲	۲۰,۹	۹,۴	رسیدن به پول و ثروت هدف من است، اخلاق و ارزش‌ها هم نباشد مهم نیست
۱۸,۸	۴۴,۸	۲۲,۷	۱۳,۷	دین بقیه مردم به من ربطی ندارد، فقط مراقب دین خودم هستم
۲۰,۳	۱۵,۶	۳۷,۴	۲۶,۷	مسائل شخصی هرکسی به دیگران ربطی ندارد
۴۸,۲	۳۱,۲	۹,۲	۱۱,۴	برای این که به اهدافم برسم، حاضرم حقوق دیگران را هم پایمال کنم
۴۱,۱	۲۵,۱	۲۰,۲	۱۳,۶	هر کسی آزاد است هر اندیشه و باوری داشته باشد، حتی اگر خلاف باورهای دینی، اخلاقی، علمی دیگران باشد...
۳۶,۱	۲۹,۳	۲۰,۴	۱۳,۸	آدم باید فقط به فکر خودش باشد و به دیگران اهمیتی ندهد.

درصد از میان پاسخگویان ۳۰/۳ درصد با عبارت «رسیدن به پول و ثروت هدف من است، اخلاق و ارزش‌ها هم نباشد مهم نیست» موافق بودند و ۶۹/۷ درصد از پاسخگویان هم با این گزینه مخالف بودند. ۳۶/۴ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که دین بقیه مردم به آنان ربطی ندارد، و فقط مراقب دین خود بودند و ۶۳/۶ درصد از پاسخگویان هم با این عقیده مخالف بودند که «دین بقیه مردم به ما ربطی ندارد و فقط مراقب دین خودم هستم». داده‌های تحقیق همچنین نشانگر این مطلب است که ۶۲/۲ درصد از پاسخگویان معتقدند که مسایل شخصی هر کسی به دیگران ربطی ندارد و ۳۵/۸ درصد از پاسخگویان هم با این عبارت مخالف بودند.

۲۰/۶ درصد از پاسخگویان موافق بودند که برای رسیدن به اهدافشان حاضرند حقوق دیگران را هم پایمال کنند و ۷۹/۴ درصد از پاسخگویان هم موافق نبودند که برای این که به اهدافشان برسند، حقوق دیگران را هم پایمال کنند. داده‌های جدول نشان می‌دهند که ۳۳/۸ درصد از پاسخگویان معتقدند که هر کسی آزاد است هر اندیشه و باوری داشته باشد، حتی اگر خلاف باورهای دینی، اخلاقی، علمی و هر آنچه که دیگران پذیرفته‌اند، باشد و ۶۶/۲ درصد از پاسخگویان هم مخالف بودند که هر کسی آزاد است هر اندیشه و باوری داشته باشد، حتی اگر خلاف باورهای دینی، اخلاقی، علمی و هر آنچه که دیگران پذیرفته‌اند، باشد. به نظر ۳۴/۲ درصد از پاسخگویان که آدم باید فقط به فکر خودش باشد و به دیگران اهمیتی ندهد و ۶۵/۸ درصد از پاسخگویان هم با این نظر مخالف بودند.

جدول شماره ۵: توزیع پاسخگویان بر حسب گویه‌های پذیرش اجتماعی

کاملاً موافقم	موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم	
۳۵	۲۶,۸	۳۱,۴	۷	به شیوخ بیشتر از افراد معمولی باید احترام گذاشت
۴۴,۷	۳۲,۱	۱۳,۲	۱۰	با همه انسان‌ها برابریم و نیازهای و دغدغه‌های مشترکی داریم
۴۹,۶	۲۳,۱	۱۸,۱	۹,۲	فرهنگ هیچ قومی بر فرهنگ سایر اقوام برتری ندارد، چه عرب و چه عجم، چه مسلمان و چه غیر مسلمان

از میان پاسخگویان ۶۱/۸ درصد معتقدند که به شیوخ بیشتر از افراد معمولی باید احترام گذاشت و ۳۸/۲ درصد از پاسخگویان هم با این عبارت مخالف بودند. ۷۲/۷ درصد از پاسخگویان

فرهنگ هیچ قومی را بر فرهنگ سایر اقوام برتر نمی‌داند، چه عرب و چه عجم، چه مسلمان و چه غیرمسلمان و ۲۷/۳ درصد از پاسخگویان هم با این دیدگاه مخالف بودند.

عرفی‌شدن دین یا تفکیک و تمایز نقش نهادها، یا به تعبیر روشن‌تر سکولاریسم، از آموزه‌های مهم جهانی‌شدن و مدرنیته است. برای سنجش میزان گرایش به این مؤلفه‌ها گویه‌های گوناگونی به کار رفته است. بر اساس داده‌های تحقیق، ۶۰/۱ درصد از پاسخگویان موافق بودند که همه سنت‌هایشان باید به همان شکلی که هستند، حفظ شوند و ۳۹/۹ درصد از پاسخگویان با این سخن مهم موافق نبودند.

داده‌های تحقیق بیان می‌کند که تحقیق ۷۳/۲ درصد از پاسخگویان موافق بودند که سنت‌های جامعه تا جایی باید حفظ شوند که با عقل سازگار باشند و نظر ۲۶/۸ درصد از پاسخگویان چنین نبود، به عبارتی از دید این گروه سنت‌های جامعه، حتی اگر با عقل سازگار نباشند، باید حفظ گردند.

مطابق داده‌های تحقیق به نظر ۳۸/۱ درصد از پاسخگویان سنت‌های جامعه را باید براساس نیازهای امروز تغییر داد و ۶۱/۹ درصد از پاسخگویان با این نظر موافق نبودند.

جدول شماره ۶: توزیع نظرات پاسخگویان بر حسب گزینه‌های عرفی‌شدن

گزینه‌های عرفی‌شدن	کلیاً مخالف	مخالف	متوسط	مؤید	کلیاً مؤید
همه سنت‌های ما باید به همان شکلی که هستند، حفظ شوند.	۱۴,۴	۲۵,۵	۲۰,۲	۳۹,۹	
سنت‌های جامعه تا جایی باید حفظ شوند که با عقل سازگار باشند.	۱۵,۵	۱۱,۳	۵۱,۴	۲۱,۸	
سنت‌های جامعه را باید براساس نیازهای امروز تغییر داد.	۳۱,۷	۳۰,۲	۲۷,۹	۱۰,۲	
تبعیت از احکام عقل به تنهایی برای اداره جامعه کافی نیست.	۱۵,۶	۲۵,۲	۳۰,۹	۲۸,۴	
به کسانی که معتقد به جدایی دین از سیاست هستند، نباید پست و مقام دولتی داد.	۱۴	۲۷	۲۳	۳۶	
دین و سیاست دو مقوله جدا از هم هستند.	۲۳,۷	۳۸,۲	۱۸,۸	۱۹,۳	
من معتقدم که تقلید کردن فقط مال انسانهای عقب مانده است در قرن بیست و یکم کسی تقلید نمی‌کند	۲۲,۶	۵۰,۳	۱۲,۳	۱۴,۸	
تقلید کار افراد ضعیف است.	۲۳,۶	۴۹,۱	۱۲,۶	۱۴,۷	
عقاید دینی را نباید نقد کرد	۱۲,۹	۱۸,۹	۲۰,۴	۴۸,۴	
برای اداره جامعه با وجود عقل نیازی به دین نیست.	۲۸,۲	۴۳,۴	۱۴,۵	۱۳,۹	

همچنین داده‌های تحقیق نشان می‌دهند که ۵۹/۲ درصد از پاسخگویان تبعیت از احکام عقل، به تنهایی، را برای اداره جامعه کافی نمی‌دانند و ۴۰/۸ درصد از پاسخگویان خلاف آن می‌اندیشیدند.

داده‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد که ۳۸/۱ درصد از پاسخگویان دین و سیاست را دو مقوله جدا از هم می‌دانند و ۶۱/۹ درصد از پاسخگویان ب این نظرگاه موافق نبودند.

به نظر ۵۹ درصد از پاسخگویان به کسانی که به جدایی دین از سیاست معتقدند، نباید پست و مقام دولتی داد، ۳۸/۱ درصد از پاسخگویان مهم‌ترین هدف زندگی را لذت‌بردن و خوش‌بودن می‌دانند.

در میان پاسخگویان ۳۳/۱ درصد دین‌داری را امری فردی می‌دانند که نباید در سایر حوزه‌ها دخالت کند. به عقیده ۲۷/۱ درصد از پاسخگویان تقلید کردن فقط کار انسان‌های عقب‌مانده است و ۲۷/۳ درصد از پاسخگویان تقلید را کار افراد ضعیف می‌دانند. ۶۸/۴ درصد از پاسخگویان با نقد عقاید دینی مخالف‌اند و ۳۱/۶ درصد از پاسخگویان بر این عقیده‌اند که عقاید دینی را باید نقد کرد.

جدول شماره ۷: توزیع نظرات پاسخگویان بر حسب گویه‌های اطاعت از قوانین بین‌المللی

گویه‌های اطاعت از قوانین بین‌المللی	کاملاً موافقم	بسیار موافقم	کمی موافقم	کاملاً مخالفم
ایران و همه کشورها باید از توافقات جهانی، هر چه باشد، اطاعت کنند	۲۹،۱	۹،۳	۳۷،۱	۲۴،۵
همه کشورها باید از نهادهای بین‌المللی اطاعت کنند	۱۹،۱	۱۸	۳۱،۲	۳۱،۷
ایران باید با همه جهان بی‌هیچ محدودیتی ارتباط برقرار نماید	۲۱،۴	۱۸،۵	۴۴،۷	۱۵،۴
همه قوانین و مقررات جهانی به سود کشور ماست	۱۶،۲	۱۶،۳	۴۱،۲	۶،۳
ایران باید در همه نهادها و سازمانهای بین‌المللی عضویت داشته باشد	۱۷	۱۸،۴	۴۲،۱	۲۲،۵

احترام و پذیرش مراقبت و نظارت و عضویت در نهادهای بین‌المللی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های مهم ارزش‌های جهانی‌شدن است. برای سنجش این مؤلفه از ۵ گویه استفاده شده

همچنان که داده‌های تحقیق بیان می‌کنند، ۳۸/۴ درصد از پاسخگویان موافقاند که ایران و همه کشورها باید از توافقات جهانی، هر چه باشد، اطاعت کنند و ۶۱/۶ درصد از پاسخگویان با این سخن مخالف‌اند.

از دید ۳۷/۱ درصد از پاسخگویان همه کشورها باید از نهادهای بین‌المللی اطاعت کنند. ۶۰/۱ درصد بر این باورند که ایران باید با همه جهان، بی‌هیچ محدودیتی، ارتباط برقرار نماید. به نظر ۳۵/۴ درصد از پاسخگویان، ایران باید در همه نهادها و سازمان‌های بین‌المللی عضویت داشته باشد و ۶۴/۵ درصد چنین نمی‌اندیشند.

در میان پاسخگویان ۳۲/۵ درصد همه قوانین و مقررات جهانی را به سود کشور ما می‌دانند و ۶۷/۵ درصد هم با این مطلب مخالف‌اند.

جدول شماره ۸: ضریب رگرسیون گرایش به ارزش‌های جهانی شدن

سطح معناداری	T	بتای استاندارد	خطای معیار	B	
/۰۰۰	۲۵/۱۲		/۲۶۵	۹/۱	مقدار ثابت
/۰۰۰	۵/۲۳	/۰۲۵	/۰۸۷	.۱۶۳	فردگرایی
/۰۰۰	۵/۱۳	/۱۱۶	/۰۶۵	/۳۴۳	اعتقاد به مسائل مشترک جهانی
/۰۰۰	۳/۶۵	/۲۳۴	/۰۴۳	/۲۴۲	پدیرش اقتدار نهادهای جهانی
/۰۰۶	۲/۳۳	/۰۲۵	/۰۵۱	/۳۳۱	برابری طلبی
/۰۰۰	۳/۳	/۰۲۸	/۰۷۶	/۱۴۱	استدلال‌گرایی
/۰۰۰	۳/۶۵	/۱۶۲	/۰۴۳	/۱۴۰	مادی‌گرایی
/۰۰۰	۴/۱۵	/۲۵۳	/۰۴۳	/۲۴۲	انسان‌گرایی

جدول شماره ۹: تحلیل واریانس برای تعیین معناداری معادله رگرسیون

منبع تغییر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری
رگرسیون	۱۳۴۲۴/۸۵۲	۱۳۴۲,۴۳۳	۱۱۶	۱۰	۰۰۰
باقیمانده	۱۶۴۲۳۷/۲۸	۱۱,۵۴		۱۴۲۳۲	
کل	۱۷۷۶۶۱,۸			۱۴۲۴۲	

داده‌های جدول رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای احساس برابری طلبی و اعتقاد به مسائل مشترک جهانی بیشترین تأثیر و بالاترین ضریب را در ساختن سازه گرایش به ارزش‌های جهانی شدن دارد و مؤلفه‌های مادی‌گرایی کم‌ترین تأثیر را دارد. ضرایب جدول رگرسیونی نشان‌دهنده قدرت تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها است. لذا باید گفت که هرچه وضعیت متغیرهایی مثل احساس عدالت اجتماعی و اعتماد اجتماعی و تحصیلات و تاریخ (تبیین و تأکید بر تاریخ ایران) بهتر و قوی‌تر گردد، به همان اندازه گرایش به ارزش‌های جهانی ضعیف‌تر می‌گردد. داده‌ها و ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرها و منابع مذکور فقط ۵۱ درصد تغییرات مؤثر بر گرایش به ارزش‌های جهانی را تبیین و بازگو می‌کند. به این معنا که گرایش به ارزش‌های جهانی از متغیرها و عامل‌های متعدد و فراوانی اثر می‌پذیرد و عوامل یاد شده ۵۱ درصد عوامل مذکور را تبیین می‌نماید. بر اساس ضرایب و آمارهای جداول ۸ و ۹ مؤلفه‌های اجتماعی و سرزمینی بیش‌ترین تأثیر در شکل‌گیری سازه گرایش به ارزش‌های جهانی را دارد. ضرایب آماری و سطح معناداری تأثیر معنادار عامل‌های یادشده در ساختن گرایش به ارزش‌های جهانی را نشان می‌دهد. از آن جا که ماهیت رگرسیون پیش‌بینی‌کنندگی است، می‌توان تأثیر هر کدام و وزن آنها را در تقویت و جایگاه آنها را در گرایش به ارزش‌های جهانی پیش‌بینی نمود.

نتیجه‌گیری

داده‌های متعدد این تحقیق، نظیر میانگین بالای گویه‌های پذیرش اجتماعی و میانگین بالای احساس هم‌دلی، نشان‌دهنده این مهم است که ارزش‌های جهانی شدن در میان عرب‌زبانان خوزستان ظرفیت بالایی برای پذیرش دارد. البته باید گفت فقط «آن دسته از ارزش‌های جهانی شدن مورد پذیرش عرب‌زبانان قرار گرفته است که نشان‌دهنده برابری فرصت‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است. به عبارتی، هرچه میزان احساس محرومیت از فرصت‌های برابر اجتماعی- فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و امکانات ملی بیشتر باشد، گرایش به هویت‌یابی‌های قومی نیز بیشتر است و بالعکس هر چه میزان احساس محرومیت از فرصت‌های برابر اجتماعی- فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و امکانات ملی کم‌تر باشد، گرایش به هویت‌یابی‌های قومی نیز کم‌تر است. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده این واقعیت است که ارزش‌های جهانی تأثیر مثبتی در تقویت هویت‌یابی‌های قومی، در برابر هویت ملی در جامعه مورد مطالعه (اعراب خوزستان)، داشته است. به عبارت دیگر ارزش‌های جهانی در جامعه مورد

مطالعه (اعراب خوزستان) سبب تولید و رشد گرایش‌های نگران‌کننده‌ای نسبت به هویت قومی شده است. البته ذکر این نکته لازم است که هویت‌یابی قومی الزاما به معنای مقاومت یا تقابل در برابر هویت ملی نیست. بر اساس داده‌ها متغیرهایی مثل احساس برابری و احساس عدالت قومی و مؤلفه‌های انسان‌گرایی، رسانه‌های خارجی و تحصیلات متغیرهایی مهم و موثرند در پذیرش ارزش‌های جهانی. از این رو گفتمان‌های برابری‌طلبانه، که بر حقوق شهروندی بنا شده است، می‌تواند راهبردهای مؤثری در استحکام سازه هویت ملی باشد. داده‌های تاریخی متعددی نشان می‌دهد که اعراب خوزستان در فرآیند ادغام اجتماعی با موانعی که سبب مرکزگریزی و واگرایی شود مواجه نشده‌اند و در قرن‌های اخیر واکنش‌های جمعی نشان داده‌اند که باید آن را عمق وفاداری ملی و تمایل تاریخی آنها به ادغام اجتماعی دانست. واکنش عرب‌زبانان خوزستان در جنگ تحمیلی و نبرد آنها با انگلیسی‌ها، در سال ۱۳۹۳ شمسی، داده‌های تاریخی ممتازی در این زمینه‌اند. بر اساس داده‌ها متغیرهای مهم و مؤثر در پذیرش ارزش‌های جهانی متغیرهایی‌اند مانند احساس برابری و احساس عدالت قومی و آیت‌های انسان‌گرایی، رسانه‌های خارجی و تحصیلات. بنا بر این داده‌ها و همچنین با تکیه بر تئوری‌های موجود، خرده‌فرهنگ‌ها و به‌ویژه خرده‌فرهنگ‌های قومی، در مواجهه با جهانی‌شدن نه عناصری کاملا فعال‌اند، که همه ابعاد جهانی‌شدن را به دلیل بیرونی‌بودن و یا تحمیلی‌بودن طرد کنند، و نه به انفعال کامل دچارند؛ بلکه با عناصر جهانی‌شدن برخوردی گزینشی دارند، به این معنا که عناصری را که کارکردی جمعی و فردی داشته باشند جذب می‌کنند و در غیر این صورت، آن عناصر را دفع می‌کنند. از این رو، گفتمان‌های برابری‌طلبانه‌ای که بر حقوق شهروندی تکیه کرده باشد، می‌تواند راهبردهای مؤثری در استحکام سازه هویت ملی باشد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، **فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی‌شدن**، تهران: تمدن ایرانی.
- آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلام‌رضا (۱۳۸۴). **جامعه‌شناسی نسلی**، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- آبرو، مارتین (۱۳۸۰)، **عصر جهانی** (جامعه‌شناسی پدیده جهانی‌شدن)، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: مؤسسه انتشارات آزاداندیشان.

- احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، بنیادهای هویت ملی ایران، تهران. پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی وزارت علوم.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- پاکسرشت، سلیمان (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی تضادهای قومی، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- تاملینسون، جان (۱۳۸۱)، رسانه‌ها و مدرنیته (نظریه اجتماعی رسانه‌ها)، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: سروش.
- خایف، اوتور (۱۳۷۱)، مسئله اقلیت‌های قومی در روسیه، مترجم فتح‌الله دیده‌بان، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵)، جهانی‌شدن (تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی)، ترجمه کمال پولادی، تهران: ثالث.
- قیصری، نورالله (۱۳۷۷)، «قومیت عرب و هویت ملی»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال اول، پیش شماره ۱: ۴۹-۸۳.
- کوشافر، محسن (۱۳۸۴)، تأثیر ارزش‌های مدرن بر مشروعیت سیاسی اسلامی ایران، رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه حمیدرضا جلالی‌پور، تهران: طرح نو.
- لورین، سرپرسی (۱۳۶۳)، شیخ خزعل و پادشاهی رضاخان، ترجمه محمد رفیعی، تهران: فلسفه
- Isajiw, w. (1990), **Ethnic identity retention and equability**, university of Toronto press.
- Lilli waldemar and Diehl, Michael, (1999) **Measuring National identity**, uni-Mannheim.de.
- Mozaffari, Mehdi (2002) (ed.), **Globalization and Civilization**, London: Routledge.
- Weinreich, p, (1998), **The operatinalization of identity theory in racial and ethnic relation**, Cambridge university.